

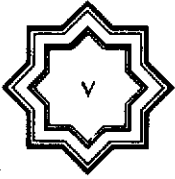
نگاهی به قرآن مفسر آبروی*

مدخل

ترجمه قرآن مجید به روایتی به روزگار حضرت رسول اکرم (ص) برمی گردد، زمانی که سلمان فارسی سوره فاتحه را برای ایرانیان به فارسی ترجمه کرد. در مورد جواز و یا عدم جواز ترجمه قرآن به زبانهای غیر عربی آرا و نظرات متفاوتی ارائه گردیده و مجادلات و مباحثات زیادی در این زمینه صورت گرفته است.^۱ قرآن وحی الهی و معجزه اسلام است و هیچ بشری نمی تواند آن را به زبان غیر از زبانی که بدان نازل گردیده، ترجمه کند. از طرف دیگر اسلام دینی است با پیامی جهانی برای همه بشریت و برای رساندن این پیام الهی به گوش مردمانی که با زبان عربی آشنایی ندارند، لزوم برگردان قرآن مجید به زبانهای غیر عربی کاملاً احساس می شود. تاکنون قرآن به بیش از ۱۲۰ زبان دنیا ترجمه شده است^۲ که بیشترین آن در میان زبانهای ملل مسلمان، به زبان فارسی صورت گرفته است و اولین آن ترجمه ای است موسوم به ترجمه تفسیر طبری که به دستور منصور بن نوح سامانی توسط عده ای از علمای ماوراءالنهر در قرن چهارم هجری صورت گرفت.^۳ ترجمه قرآن به زبانهای ملل مسلمان غیر عرب اغلب به دلیل انتقال پیام خدا و طبیعت جهانی بودن اسلام، صورت گرفته و به دلیل اهمیت آن همواره با مشکلات و حساسیت های زیادی همراه بوده است. مترجم قرآن هر چند که تمامی ویژگی های یک مترجم خوب را در حد اکمل دارا باشد، باز در برابر ترجمه قرآن احساس عجز می کند. قرآن به عنوان سخن الهی از یک طرف و ظرافت لفظی و بلاغی قرآن از طرف دیگر، که خود معجزه اسلام است، مترجم را با امری بس غامض و پیچیده روبه رو می سازد. برخی از مترجمین، بخصوص مترجمان فارسی زبان، به اقتضای رعایت شرط امانت به ترجمه تحت اللفظی روی آورده اند و برخی به جهت روانی و رساندن پیام به ترجمه های آزاد و تفسیرآمیز دست زده اند. لکن حقیقت انکارناپذیر آن است که کلام هیچ مخلوقی قابل برابری با وحی الهی و کلام خالق نیست. به عقیده بسیاری از اهل نظر ترجمه قرآن بدون عنصر تفسیر امکان پذیر نیست لکن این عنصر بایستی به حداقل ممکن برسد. به نظر بهاءالدین خرمشاهی «... هر ترجمه ای تفسیرآمیز است... منتها دخالت عنصر تفسیری را باید به حداقل رساند. اما چاره ای جز استفاده از آن نداریم^۴» و به نظر احمد احمدی «ترجمه، یک تفسیر فشرده است و به عکس، تفسیر، مسوط کلام است. خواه به زبان اصلی و خواه به زبان ترجمه^۵». به همین دلیل مشاهده می کنیم که برخی از ترجمه های انگلیسی قرآن، نام ترجمه صرف بر خود ندارند بلکه به نحوی با عباراتی چون «معنا»، «تفسیر» و «توضیحات» همراه هستند. به عنوان مثال ترجمه قرآن آبروی، قرآن مفسر (The Koran Interpreted) و ترجمه قرآن پیکتال معنای قرآن مجید همراه با متن اصلی و توضیحات مترجم (The Meaning of the Glorious Qur'an: Text and Explanatory Translation) نامیده شده اند. علی رغم تمام حساسیت ها و وسواس هایی که در ترجمه قرآن

۱. ر. قدوائی
ترجمه دکتر علیرضا انوشیروانی
با توضیحاتی از دکتر شاهرخ محمدیگی





کتاب مهم دیگری که ظاهراً توسط یک مسلمان تازه مسیحی شده و توسط مارک اهل تولدو (*Mark of Toledo*) به لاتین ترجمه شده، کتاب *Contrarietas elfolica* است. این کتاب‌ها همراه با کتاب دیگری تحت عنوان *de doctrina Machometi*، مجموعه‌ای را در قرون وسطی تشکیل می‌دادند که در آن چهره‌ای مخدوش و تحریف شده از اسلام به اروپاییان ارائه گردیده است.^۸ انتشار این آثار نه تنها نوعی مقابله مسیحیت با نفوذ و گسترش وسیع اسلام در قرون وسطی بود بلکه تا قرن‌ها بعد از آن نیز پایه و اساس برداشت دنیای غرب از اسلام بود و به سوء تفاهم‌ها و خصومت‌ها دامن می‌زد. ویلیام مونتگمری وات در کتاب تأثیر اسلام در اروپا، تصویر تحریف شده اسلام را در قرون وسطی، به این صورت خلاصه می‌کند:

الف. دین اسلام دروغ است و انحراف سنجیده‌ای از واقعیت می‌باشد.

ب. دین اسلام، دین شمشیر و شدت عمل است.

ج. دین اسلام، دین تن‌آسایی است.

د. حضرت محمد (ص) یکی از پیامبران ضد مسیح است.^۹

ترجمه‌های اولیه قرآن به زبان‌های اروپایی در چنین شرایطی و در حال و هوای جنگ‌های صلیبی، زمانی که کلیسا و حکومت غرب در صدد نابودی اسلام و مسلمانین بودند، صورت گرفت. مخاطب آثاری که توسط گردانندگان کلیسا و یا به دستور آنان بر علیه اسلام نوشته می‌شد، مسیحیان بودند. به خصوص مسیحیانی که همچوار مسلمانان بودند؛ و بزرگان کلیسا نگران آن بودند که این مسیحیان تحت تأثیر اسلام و مسلمین قرار گیرند. به عبارت دیگر هدف از انتشار این‌گونه آثار و ترجمه‌های قرآن نشان دادن اسلام به عنوان دینی باطل بود تا بدین ترتیب از اختلاط و آمیزش مسیحیان با مسلمانان و گرویدن آنها به اسلام جلوگیری کنند. لذا هدف اشاعه دانش و شناخت به هیچ وجه در میان نبوده بلکه تخریب فکری و ایجاد سوءظن و تردید بوده است و چه بسا که بسیاری از نقاط ضعف خود را بر اسلام مشتبه می‌ساختند تا با مخدوش ساختن چهره اسلام و وارونه ساختن زندگی پیغمبر اکرم (ص) از رقیب، چهره‌ای ضد مذهبی و غیر انسانی ارائه کرده، از رشد و گسترش فرهنگی و نفوذ آن در قلوب ملل مسیحی جلوگیری کنند.

و این کینه‌توزی و غرض‌ورزی پدران روحانی! همچنان ادامه یافت، تا آنجا که حتی بعضی از ترجمه‌های چاپ شده بعدی را علاوه بر ضمیمه داشتن «ردیه»، برای آنکه از اهمیت قرآن مجید بکاهند و آن را کتابی غیر الهی قلمداد کنند، با نامهای گوناگون و جعلی مانند: قرآن محمد (*Alcoran de Mahomet*)، قرآن ترک‌ها و سرانجام قرآن پیامبر ترک‌ها منتشر ساختند.^{۱۱}

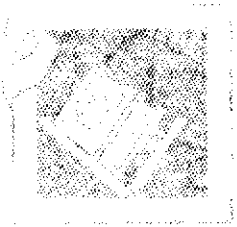
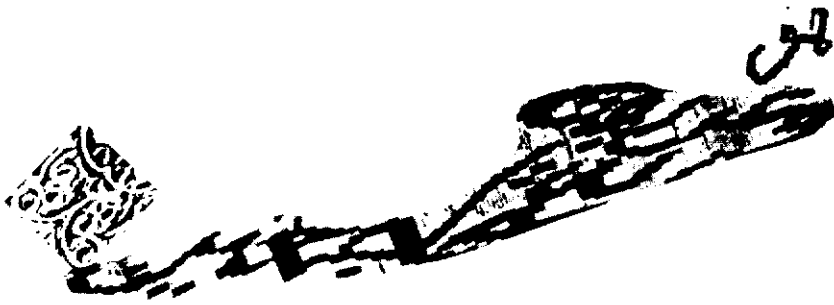
و هر گاه برای اثبات مدعای خود به آیات قرآن استناد می‌کردند، بدون توجه به قبل و مابعد آن و یا ارتباط آن با بقیه سوره‌ها، آیاتی را

به عمل آمده، متأسفانه هیچ ترجمه‌ای خالی از اشتباه و لغزش نبوده است. این خطاها یا به علت عدم تسلط کافی مترجم به زبان عربی و یا عدم درک صحیح مترجم از آیات قرآنی بوده است. البته بایستی توجه داشت که ترجمه‌های فارسی قرآن به علت نزدیکی زبان فارسی به عربی در مقایسه با ترجمه‌هایی که مثلاً به زبان‌های اروپایی صورت گرفته، اشتباهات کمتری داشته و سهل‌الوصول‌تر بوده است.

بررسی سیر ترجمه قرآن مجید به زبان‌های اروپایی، نشان‌دهنده دو حرکت کاملاً متفاوت است. ترجمه‌های اولیه قرآن به زبان‌های اروپایی مانند لاتین، حاکی از غرض‌ورزی‌ها و احتجاجات قرون وسطایی مسیحیت علیه اسلام است. اولین ترجمه قرآن به زبان لاتین به دستور پطرس مقدس (*Peter the Venerable*)، رئیس دیر کلونی (*Clunny*) در مشرق فرانسه، در سال ۱۱۴۳م توسط دو نفر به نامهای رابرت از اهالی کتن (*Robertus Ketensis or Robert of Ketton*) و هرمانوس دالماتا (*Hermannus Dalmata*) انجام گرفت که تا سال ۱۵۴۳م چاپ نشد. ترجمه لاتین دیگری از قرآن توسط کشیش ایتالیایی، لودویکو ماراجی (*Lodovico Marraccio*) صورت گرفت. این ترجمه‌ها نه به انگیزه شناخت معارف اسلامی، بلکه اغلب به دستور مقامات کلیسا و به منظور رد و ابطال اسلام صورت می‌گرفت. در واقع قرآن از راه اندلس وارد اروپا شد و هدف از این ترجمه، عرضه آن به پدران روحانی برای رد آن بود.

قرآن در سال ۱۵۰۹م به زبان لاتین چاپ شد، ولی هیچ‌کس حق نداشت که نسخه‌ای از آن را داشته باشد و یا آن را مطالعه کند، چرا که این چاپ فاقد رد لازم (*Vefutatum*) بود.^۷ ترس کلیسا از نفوذ و تأثیر اسلام در اروپا، انگیزه و آغازگر مجادله‌ها و احتجاجات فراوانی بر علیه اسلام بود. اسلام دین رقیب بود و برای از میدان به در بردن رقیب، تهمت و افترا، تحریف حقایق و مخدوش ساختن تصویر اسلام، امری عادی به شمار می‌رفت.

اولین کتاب مهمی که در اروپای لاتین درباره اسلام چاپ شد، کتابی بود تحت عنوان رساله یا (*Apology*)، به زبان عربی که آن‌را به عبدالملک بن اسحاق الکنندی در قرن یازدهم میلادی نسبت می‌دهند، لکن هم تاریخ و هم نویسنده آن محل شک و تردید است. این کتاب مورد حمایت کلیسا قرار گرفت و توسط پیتر، اهل تولدو (*Toledo* یا طلیطله)، به دستور پطرس مقدس به لاتین ترجمه شد. تأثیر این کتاب آن قدر زیاد بود که در قرن نوزدهم مجدداً در لندن تجدید چاپ شد. این کتاب که علی‌الظاهر به دست یک مسلمان نوشته شده، تحریف آشکاری است از زندگی پیامبر اکرم (ص) و اصول اسلامی و قرآنی. در این کتاب شخصیت حضرت پیغمبر (ص) و زندگی آن حضرت به طرز شرم‌آور و توهین آمیزی بیان گردیده و اصول اسلام چون جهاد مورد حمله شدید قرار گرفته است.



(ص ۲۵). بررسی همه این ترجمه‌ها در مجال این سخن کوتاه نیست. غرض بیشتر این بود که انگیزه‌های اولیه ترجمه قرآن، توسط اروپاییان نشان داده شود. البته پژوهشگران غربی‌ای بوده‌اند که در راه شناختن و شناساندن اصول و معارف اسلامی سعی وافر و صادق نموده و ترجمه‌هایی از قرآن نیز ارائه داده‌اند. از آن جمله می‌توان به قرآن مفسر (The Koran Interpreted) آرتور جان آربری (Arthur John Arberry) که در سال ۱۹۵۵م در لندن منتشر شد، اشاره کرد.

آربری در سال ۱۹۰۵م در پورتمسوت (Portsmouth) انگلستان به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۲۹م به اخذ درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات عربی و فارسی از کمبریج نایل آمد. وی به کشورهای اسلامی چون مصر، ترکیه، فلسطین، لبنان و سوریه سفر کرد. در سال ۱۹۴۶م به سمت استاد رشته عربی و رئیس بخش مطالعات شرق میانه در دانشگاه لندن برگزیده شد. آثار پروفیسور آربری بالغ بر سیزده جلد کتاب تحقیقی، سی و هشت جلد کتاب مهم شرقی، ترجمه شده به زبان انگلیسی و در حدود بیست و یک جلد کتاب تألیفی است. از خدمات عمده آربری ایجاد کرسی مستقل برای تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه کمبریج و تشکیل انجمن شرق شناسان بریتانیا برای هماهنگ‌سازی تحقیقات و آموزش‌های مربوط به شرق‌شناسی در انگلستان و بررسی مسائل مشترک میان شرق‌شناسان است.^{۱۳} مقاله‌ای که به دنبال آمده از «قدوائی» قرآن‌پژوه معروف پاکستانی است که در آن به نقد ترجمه قرآن آربری پرداخته است. علی‌رغم دانش و تسلط آربری به زبان و ادبیات عرب، اشتباهات فاحشی در ترجمه وی به چشم می‌خورد که شرح آن در خود مقاله آمده است. قدوائی در این مقاله فهرست‌وار به اشتباهات آربری اشاره می‌کند. بدین ترتیب که ابتدا ترجمه غلط آربری و سپس ترجمه صحیح خود را می‌آورد، لکن توضیحی نمی‌دهد. در این نوشته، آیات مورد اشاره، همراه با ترجمه فارسی استاد محمد مهدی فولادوند^{۱۴}، به متن اصلی اضافه شده‌اند و چون توضیحاتی در هر مورد، مقاله را پر بارتر و مفیدتر خواهد کرد، همکار و قرآن‌پژوه فاضل، آقای دکتر محمدیگی توضیحات لازم را در داخل قلاب آورده‌اند. یادداشت‌های قدوائی را عیناً ذکر کرده و گاه توضیحی را اضافه کرده‌ایم، و با ذکر کلمه «مترجم» آن را از یادداشت‌های قدوائی، متمایز ساخته‌ایم. اینک برگردان مقاله تقدیم حضور خوانندگان محترم می‌شود.

علیرضا انوشیروانی

نقل می‌کردند و یا برداشت و تفسیر شخصی خود را از سوره‌های قرآن به عنوان سند و مدرک ارائه می‌نمودند. این‌گونه تفسیرها که صرفاً به منظور اثبات ذهنیات از پیش ساخته زمامداران کلیسا بود، ربطی به حقایق اسلامی نداشت. به طور کلی این نظریات که در لابه‌لای ترجمه قرآن گنجانیده می‌شد، بیشتر در جهت تثبیت و اثبات تصاویر تحریف‌شده و از قبل آفریده‌ای بود که در ذهن حیان شکل گرفته بود. هدف غایی، ایجاد حس تنفر و دوری جستن از اسلام و مسلمین در ذهن و قلب مسیحیان، به خصوص ساکنین اندلس بود که مسلمانان زیادی در آن زندگی می‌کردند.

اولین ترجمه کامل قرآن به زبان انگلیسی که توسط الکساندر راس (Alexander Ross) از زبان فرانسه در سال ۱۶۴۸م صورت گرفت، مشحون از همین غرض‌ورزی‌ها و تعصبات قرون وسطایی کلیساست. جهت اطلاع از کار الکساندر راس به نقل کلامی از وی که در مقدمه ترجمه‌اش چاپ شده، بسنده می‌کنیم:

... این جانب با تحمل مزارت و زحمت، این کتاب را از زبان فرانسه ترجمه کرده‌ام و آن را همان‌طور که هست به شما عرضه داشته‌ام، گرچه این کتاب (قرآن) سمی بوده است که بزرگترین ولی ناسالم‌ترین بخش جهان را آلوده ساخته است، اما شک ندارم که این (ترجمه انگلیسی) به عنوان یک پادزهر، صحت و سلامت مذهب و آیین مسیحیت را برای شما تثبیت خواهد کرد.^{۱۱}

دومین ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، در سال ۱۷۳۴م توسط جورج سیل (George Sale) از زبان عربی تحت عنوان تفسیرجامع قرآن (A Comprehensive Commentary on the Quran) صورت گرفت که اولین بار در لندن به چاپ رسید. سیل که با زبان عربی آشنا بود، صداقت و دقت بیشتری در ترجمه قرآن از خود نشان داد و ترجمه‌اش از شبهات قرون وسطایی میراست. هر چند که ترجمه وی خالی از اشکالات عمده نیست لکن وی برای اولین بار سعی کرد به دور از غرض‌ورزی‌ها و تعصبات رایج اروپایی، ترجمه بهتری ارائه دهد و در مقاله‌ای که بر این ترجمه نوشت، توضیحاتی در مورد علل گسترش اسلام در دنیا و زندگی حضرت پیامبر اکرم (ص) بیان داشت.^{۱۲}

محمد آصف‌فکرت، تعداد ترجمه‌های کامل قرآن به زبان انگلیسی را ۳۹ ترجمه (ص ۱۵۱) و ویژه‌نامه مرکز ترجمه‌های قرآن‌مجید به زبان‌های خارجی، تعداد ترجمه‌های قرآن‌مجید (اعم از کامل و ناقص) موجود در مرکز را ۶۵ ترجمه ذکر می‌کند





نگاهی به قرآن مفسر آربری^{۱۵}

نمی‌باشد. این اشتباهات به دلیل تسلط آربری به زبان عربی و دقت و توجه پژوهشگرانه وی، تحسیربرانگیزتر و غیرقابل توجیه‌تر می‌نماید. موارد ذیل نمونه‌هایی است که در ترجمه از قلم افتاده است:

۱. سوره آل عمران؛ ۳: ۴۳. عبارت قرآنی «مع الراکعین» (با رکوع‌کنندگان) از قلم افتاده است.

﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾
ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع‌کنندگان رکوع نما.

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۵۱

'Mary, be obedient to thy Lord, prostrating and bowing before Him'

ب. ترجمه صحیح

'O Mary! Be obedient to thy Lord, prostrate and bow with those who bow'

۲. سوره ذاریات؛ ۵۱: ۴. عبارت قرآنی «امراً» (کار یا امر و دستور) از قلم افتاده است.

﴿وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا ۖ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ۖ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ۖ فَالْمُتَمِّمَاتِ أَمْرًا﴾

سوگند به بادهای ذره‌افشان، و ابرهای گرانبیار، و سبک‌سیران، و تقسیم‌کنندگان کار [ها].

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۵۴۳

'By the swift scatterers and the burden bearers and the smooth runners and the partitioners'

ب. ترجمه صحیح

'By the swift scatterers and the burden bearers and the smooth runners and the partitioners by command'

[در تفسیر این آیه «امر» به دو معنی به کار رفته است:

الف. کار (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۰۷).

ب. امر و دستور (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳۶،

ص ۲۶۳). قداوایی این معنی را پذیرفته است]

۳. سوره ممتحنه؛ ۶۰: ۱۲. عبارت قرآنی «فبايعهن»

(پس با آنان بیعت کن) از قلم افتاده است.

گیوم در نقد و بررسی قرآن مفسر آربری (۱۹۵۵م) به هنگام انتشار آن، این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «به عقیده من این اثر موفق‌ترین متن انگلیسی قرآن برای نسل‌های آتی خواهد بود^{۱۶}. شکی نیست که پیش‌گویی گیوم ظاهراً به حقیقت پیوست. به طوری که در مدت سه سالی که از چاپ این کتاب می‌گذرد، ترجمه قرآن آربری حداقل دوازده بار تجدید چاپ شده و از طریق نشر «آثار کلاسیک جهان^{۱۷}» در دسترس همگان قرار گرفته است. استقبال گسترده و سریع از ترجمه قرآن آربری در میان مسلمانان و غیر مسلمانان می‌تواند تا حدّ زیادی مدیون شهرت وی به عنوان پژوهشگر زبان عربی و رویکرد منصفانه او به دین اسلام باشد.

آربری (۱۹۰۵-۱۹۶۹م) اعتبار علمی لازم را برای دست یازیدن به ترجمه قرآن مجید به انگلیسی دارا بود. او که به عنوان رئیس گروه ادبیات یونان و روم باستان دانشگاه قاهره و بعدها به عنوان استاد زبان فارسی در دانشگاه لندن و استاد زبان عربی در دانشگاه‌های لندن و کمبریج انجام وظیفه کرده بود، دانش کامل و دقیقی در زمینه اسلام و فرهنگ اسلامی کسب کرده بود. نوشته‌هایش، بویژه ترجمه‌هایش از شاهکارهای ادبی عربی، فارسی و اردو بیانگر این مدعاست^{۱۸}. لیک آنچه آربری را در جایگاهی والا و ممتاز از بقیه شرق‌شناسان قرار می‌دهد، نحوه برخورد کلی وی با دین اسلام است. وی از برخی دیدگاه‌های نادرست رایج در میان خاورشناسان دوری جسته و آن را رد می‌کند. به عنوان مثال، برخلاف سایر خاورشناسان در «مقدمه» ترجمه‌اش، حداقل اعتقاد مسلمانان را نسبت به قرآن، صادقانه ابراز می‌دارد^{۱۹}، بدون آنکه مانند برخی تهمت و افتزایی به قرآن روا دارد و تألیف آن را به پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) نسبت دهد و یا اصالت آن را زیر سؤال ببرد^{۲۰}. صلاحیت علمی آربری و تنوع ویژگی‌های سبکی این اثر باعث شده است که ترجمه قرآن آربری، حتی در میان مسلمانان از مقبولیتی عام برخوردار باشد. با این وجود، تا به حال هیچ‌گونه تلاشی جهت تبیین صحت و سقم ترجمه آربری صورت نگرفته است. با بررسی دقیق و موشکافانه این اثر، فرد متوجه می‌شود که این ترجمه هم به لحاظ حذف برخی از قسمت‌ها و هم از نظر کیفیت، عاری از اشتباه



﴿تَتَّبِعُهُمْ﴾ از فعل تنبى يعنى خبر دهد (فعل مضارع صيغة مفرد مؤنث غايب) هُم يعنى ايشان (مضير جمع مذکر غايب). بنا بر اين «تَتَّبِعُهُمْ» يعنى «ايشان را خبر دهد».
الف. ترجمه غلط آربرى، ص ۱۸۶

'The hypocrites are afraid, lest a Sura should be sent down against them, *telling thee* what is in their hearts'

ب. ترجمه صحيح

'The hypocrites are afraid, lest a Sura should be sent down about them, *showing them* what is in their hearts'

۲. سورة انفال؛ ۸: ۵۹.

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ﴾
و زنهار كسانى كه كافر شده اند گمان نکنند كه پيشى جسته اند زيرا آنان نمى توانند [ما را] درمانده كنند.^{۲۲}
﴿لَا يُعْجِزُونَ﴾ فعل متعدى است كه مفعول به آن ذكر نشده است. «آنها هرگز ما را عاجز نخواهند كرد». (تفسير نمونه، ج ۷، ص ۲۱۹)

الف. ترجمه غلط آربرى، ص ۱۷۶

'And thou are not to suppose that they who disbelieve have out- stripped Me; they cannot frustrate My will'

ب. ترجمه صحيح

'And let not those who disbelieve suppose that they can outstrip. They cannot frustrate (Allah's purpose)'

۳. سورة فرقان؛ ۲۵: ۶۲.

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَدَّكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾
و اوست كسى كه براى هر كس كه بخواهد عبرت گيرد يا بخواهد سپاسگزارى نمايد، شب و روز را جانشين يكديگر گردانيد.

[فاعل فعل «أَرَادَ» ضمير مشترك «هُوَ» است كه مرجع آن «مَنْ» موصول است و به «كس» بر مى گردد و نه «خداوند».]

الف. ترجمه غلط آربرى، ص ۳۶۷

'And it is He who made the night and day a succession for whom *He desires* to remember or *He desires* to be thankful'

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَا يَعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
اى پيامبر، چون زنان با ايمان نزد تو آيند كه [با اين شرط] با تو بيعت كنند كه چيزى را با خدا شريك نسازند و دزدى نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه هاى حرام زاده پيش دست و پاى خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند، و در [كار] نيك از تو نافرمانى نکنند، با آنان بيعت کن و از خدا براى آنان آمرزش بخواه، زيرا خداوند آمرزنده مهربان است.

الف. ترجمه غلط آربرى، ص ۵۷۹

'O Prophet, when believing women came to thee, swearing fealty to thee upon the terms that they will not associate with God anything, and will not steal, neither commit adultery, nor slay their children, nor bring a calumny they forge between their hands and their feet, nor disobey thee in aught honourable, ask God's forgiveness for them; God is All- Forgiving, All Compassionate'

ب. ترجمه صحيح

'O Prophet! If believing women come unto thee, taking oath of allegiance unto thee that they will ascribe nothing as partner unto Allah, and will neither steal nor commit adultery, nor kill their children, nor produce any lie they have devised between their hands and feet, *then accept their allegiance* and ask Allah to forgive them. Allah is All-Forgiving, All- Merciful'

مواردى از ترجمه غلط نيز اغلب در ترجمه آربرى به چشم مى خورد:

۱. سورة توبه؛ ۹: ۶۴.

﴿يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾

منافقان بيم دارند از اينكه [مبادا] سوره اى درباره آنان نازل شود كه ايشان را از آنچه در دلهايشان هست، خبر دهد.^{۲۱}



[هم: آنان، ضمیر جمع مذکر غایب]

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۱۸۷

'Has there not come to you the tidings of those who were before you'

ب. ترجمه صحیح

'Has there not come to them the tidings of those who were before them'

۶. سوره آل عمران؛ ۳: ۱۱۵.

﴿وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾

و هر کار نیکی انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی

نبینند، و خداوند به [حال] تقواییشان داناست.

﴿يَفْعَلُوا﴾ فعل معلوم جمع مذکر غایب. يكْفَرُوا: فعل

مجهول جمع مذکر غایب]

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۶۰

'And whatever good you do, you shall not be denied the just reward of it'

ب. ترجمه صحیح

'And Whatever good they do, they shall not be denied the just reward of it'

۷. سوره شعراء؛ ۲۶: ۱۰۸.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾

از خداوند پروا کنید و فرمانم برید.

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۳۷۵

'So serve you God, and obey you me'

ب. ترجمه صحیح

'So fear God and obey me'²³

۸. سوره واقعه؛ ۵۶: ۱۱.

﴿أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾

آنانند همان مقربان [خدا].

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۵۶۰

'Those are they brought nigh the throne'

ب. ترجمه صحیح

'Those are they brough nigh'

سوره واقعه؛ ۵۶: ۸۸.

﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾

و اما اگر [او] از مقربان باشد.

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۵۶۳

'Then, if he be of those brought nigh the

ب. ترجمه صحیح

'And it is He who made the night and day a succession for him who desires to remember or desires to be thankful'

۴. سوره سجده؛ ۳۲: ۲۳.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَاتُكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَ

جَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾

و به راستی [ما] به موسی کتاب دادیم. پس در لقای او

[با خدا] تردید مکن، و آن [کتاب] را برای فرزندان اسرائیل

[مایه] هدایت قرار دادیم.

[لقائه: لقای آن، یعنی ملاقات [موسی] آن (کتاب) را. در

اینکه ضمیر در «لقائه» به چه چیز باز می‌گردد، در میان

مفسران گفتگو بسیار است و هفت احتمال یا بیشتر، درباره

آن داده شده است. اما آنچه از میان آنها نزدیکتر به نظر

می‌رسد این است که به «کتاب» (کتاب آسمانی موسی یعنی

تورات) بازگردد و جنبه مفعولی داشته باشد و فاعل آن

موسی باشد، بنابر این معنی مجموع جمله چنین است: «تو

شک نداشته باش که موسی به لقای کتاب آسمانی رسید و

آن را که از درگاه پروردگار به او القا شده بود دریافت داشت.»

(تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۶۳).

از جمله نظرهایی که درباره آیه مذکور داده شده، به این

قرار است:

الف. مرجع ضمیر در «لقائه»، «موسی(ع)» باشد.

[ترجمه مورد نظر آربری]

ب. مرجع ضمیر، «الکتاب» یعنی قرآن است. [ترجمه

مورد نظر قدوائی]

ج. مرجع ضمیر، خداوند باشد (تفسیر نمونه، ج ۱۷،

ص ۱۶۵) [ترجمه مورد نظر محمد مهدی فولادوند]

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۴۲۵

'Indeed We gave Moses the Book, so be not in doubt concerning the encounter with him'

ب. ترجمه صحیح

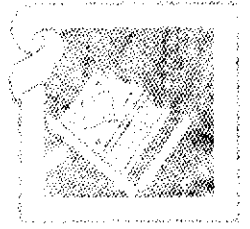
'Verily We gave Moses the Book, so be not in doubt of his receiving it.'

۵. سوره توبه؛ ۹: ۷۰.

﴿أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾

آیا گزارش [حال] کسانی که پیش از آنان بودند، ... به

ایشان نرسیده است؟



possessions in this present life. Our Lord, Let them go astray from thy ways...'

ب. ترجمه صحیح

'Moses said, 'Our Lord, Thou hast bestowed on Pharaoh splendour and wealth in this present life. Our Lord, they mislead men from thy path'^{۲۵}

۱۱. سوره هود؛ ۱۱: ۳۰.

﴿وَإِذَا قَوْمٌ مِّنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾
«وای قوم من! اگر آنان را برانم، چه کسی مراد برابری خدا یاری خواهد کرد؟ آیا عبرت نمی گیرید؟»
[هم: آنان، ضمیر جمع مذکر غایب.]

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۲۱۴

'O my people, who would help me against God, If I drive you away? Will you not remember?'

ب. ترجمه صحیح

'O my people, who would help me against God, if I drive them away? Will you not take heed?'

۱۲. سوره هود؛ ۱۱: ۴۶.

﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...﴾
فرمود: «ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است. پس چیزی را که بدان علم نداری از من مخواه.

[مرجع ضمیر در «انته» به پسر نوح بر می گردد نه به ندا کردن نوح. (الکشاف، ج ۲، ص ۳۹۹).

«عمل»: مصدر است که به دو طریق تفسیر شده است:

۱. مصدر [بجای اسم فاعل]، از باب مبالغه به کار رفته

است. (الکشاف، ج ۲، ص ۳۹۹).

۲. مصدر، که مضاف آن حذف شده است، یعنی تقدیر آن «ذو عمل» است. (الجدول فی اعراب القرآن، ج ۶، ص ۲۴۵).

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۲۱۶

'Said He, 'Noah, he is not of thy family; it is a deed not righteous. Do not ask of Me that where of thou hast no knowledge...'

ب. ترجمه صحیح

Throne'

ب. ترجمه صحیح

'Then if he is of those brought nigh'

۹. سوره نساء؛ ۴: ۱۵۷.

﴿وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَّبُوهُ وَ لَكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَ مَا قَتَلُوهُ يَقِيناً﴾
و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد، و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می کنند، و یقیناً او را نکشتند^{۲۴}.

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۹۵

'And for their saying, 'We slew the Messiah, Jesus son of Mary, the Messenger of God'-- yet they did not slay him, nor crucified him, Only a likeness of that was shown to them. Those who are at variance concerning him surely are in doubt regarding him; they have no knowledge of him, except the following of surmise'

ب. ترجمه صحیح

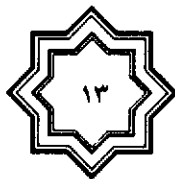
'And for their saying, 'We slew the Messiah, Jesus son of Mary, the Messenger of God'-- they slew him not nor crucified him, but it appears so unto them. Those who are at variance concerning it are in doubt there of; they have no knowledge there of, except the following of surmise'

۱۰. سوره یونس؛ ۱۰: ۸۸.

﴿وَ قَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالاً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ...﴾
و موسی گفت: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده ای پروردگارا، تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند».

الف. ترجمه غلط آربری، ص ۲۰۷

'Moses said, 'Our Lord, Thou hast given to Pharaoh and his council adornment and



همان‌طور که پیش از این ذکر شد، ترجمه آبروی از نظر ویژگیهای سبکی بسیار غنی می‌باشد و از نظر روش و کیفیت، بر سایر ترجمه‌های قرآن که توسط شرق‌شناسان ارائه شده رجحان دارد. لکن این نباید باعث شود که اشتباهات یادشده که برخی از آنها خیلی هم اساسی است نادیده گرفته شود و خلاصه اینکه ترجمه آبروی باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد.

'He said, 'O Noah! He is not of thy family; for his conduct is unrighteous. So ask not of me that of which thou hast no knowledge'

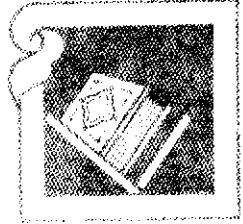
از مثالهای ذکرشده مشهود است که خطای آبروی در ترجمه، اغلب مفهوم آیات قرآنی را تغییر می‌دهد. این اشتباهات به دلیل تسلط رشک‌برانگیز آبروی به زبان عربی نه تنها غیرقابل بخشش بلکه غیرقابل توجیه می‌باشد.^{۲۷} جالب اینکه اکثر این اشتباهات حتی در ترجمه قرآن همراه با آرایش انتقادی سوره‌ها اثر ریچارد بل** دیده نمی‌شود، ترجمه‌ای که در آن بل علاوه بر به هم ریختن ترتیب سوره‌ها

نام سوره	شماره سوره	آیه	صفحه	عبارت قرآنی	ترجمه آبروی	ترجمه بهتر
حجر	۱۵	۵۳	۲۵۶	علیم	Cunning	Wise
ذاریات	۵۱	۲۸	۵۴۴	علیم	Cunning	Wise
انبیاء	۲۱	۷۲	۳۲۸	ناقله ^{۲۷}	in superfluity	garndsons of additional gift
فاطر	۳۵	۳۴	۴۴۸	شکور ^{۲۸}	All Thankful	All Appreciative
فاطر	۳۵	۳۰	۴۴۷	شکور	All Thankful	All Appreciative
شوری	۴۲	۲۳	۵۰۱	شکور	All Thankful	All Appreciative
تغابن	۶۴	۱۷	۵۸۹	شکور	All Thankful	All Appreciative
بقره	۲	۱۵۸	۲۰	شاکر	All Grateful	All Responsive
اعراف	۷	۱۵۷	۱۶۱	النبی الامی ^{۲۹}	the Prophet of the Common folk	the unlettered Prophet
اعراف	۷	۱۵۸	۱۶۲	النبی الامی	the Prophet of the common folk	the unlettered Prophet

*. Arberry's *The Koran Interpreted*

۱. به عنوان نمونه نگاه کنید به: الف. شاهرخ محمدیگی، ترجمه قرآن و بررسی آرای مخالفان، بینات، سال اول، شماره ۴، ص ۸۱-۹۲. ب. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ترجمه قرآن از نظر مفسرین و فقهای مذاهب اسلامی، بصائر، سال سوم، شماره ۲۲، آذر و دی ماه ۱۳۷۵، ص ۷۷-۹۲. ج. محمد آصف فکرت، آراء دانشمندان مسلمانان پیرامون ترجمه قرآن کریم، کتاب شناسی جهانی ترجمه‌ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید به شصت و پنج زبان (۱۵۱۵-۲۱۹۸۰)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ هـ.ش، ص ۲۷-۳۲.
۲. محمد آصف فکرت در مآخذ باورقی، ۱، شمار ترجمه‌های کامل قرآن به ۶۵ زبان دنیا را ۵۵۱ و شمار

و آیه‌های قرآن، مرتکب اشتباهات ترجمه‌ای بسیار گردیده و حتی اصالت قرآن را زیر سؤال برده است. ویژگی ملال‌آور دیگر اثر آبروی، ترجمه بیش از حد تحت‌اللفظی برخی عبارات قرآنی می‌باشد. درست است که معادل‌های انگلیسی به کار گرفته شده توسط آبروی، ظاهراً از نظر ریشه‌شناسی و یا لغوی صحیح می‌نماید، لکن این معادلها تأثیر نامطلوبی بر ذهن خواننده معمولی که لزوماً شناختی از ریشه‌شناسی لغات در انگلیسی ندارد می‌گذارد. همان‌طور که از مثال‌های نمونه ذیل مشهود است در این‌گونه موارد ترجمه آبروی نه تنها به شناخت قرآن کمکی نمی‌کند بلکه فهم آن را تا حدی غیر قابل درک و خواننده را سر درگم می‌سازد.



A Note, "in Hamdard Islamicus, Vol. XI, No. 3, 1988, pp. 71-75.

16. Guillaume, A., "The Koran Interpreted", *Muslim world*, XLVII (1957), p. 249.

17. *World's Classics*

18. For ex. *Complaint and answer, Shikwa and Jawab-i- Shikwa of Iqbal* (1965), *The Doctrine of the Sufis by Abu Bakr al- Kalabadhi* (1966); *Asrar-i- Khudi of Iqbal* (1952); *A Sufi Martyr: the apologia of al- Handhani* (1969) and *Jovid Nama* (1966).

19. Arberry, A.J., *The Koran Interpreted* (Oxford, 1983), p. ix.

«آرتور آربری در مقدمه ترجمه خود از قرآن (به زبان انگلیسی) ستایش عمیق خود را نسبت به ارزش مذهبی این کتاب ابراز کرده است:

این وظیفه (یعنی ترجمه قرآن) تعهد سبکی نبود و با دلهره عظیم شخصی به پایان برده شد و ترجمه آن، مترجم را به چنان آرامش و تحملی سوق داد که همواره شکرگزار آن خواهد بود. از این رو، او سپاس عظیم خود را تقدیم هر قدرت یا «قدرتی» می نماید که پیامبری را برانگیخت که برای نخستین بار این آیات مقدس را تلاوت کرد.»

به نقل از کتاب *برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان نوشته ویلیام مونتگمری وات*، ترجمه حسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ش، ص ۲۵۰. (مترجم)

20. For a critical survey of the Orientalists' translations of and their works on the Quran please see Manzoor Parvez, 'Method against Truth: Orientalism and Qur'anic Studies' and Kidwai, A.R. 'Translating the Untranslatable: A Survey of Muslim World Book Review.

(Summer 1987), Vol. 7, No. 4, pp. 33- 48 and 66-72.

۲۱. بهاءالدین خرمشاهی در توضیح این آیه چنین آورده است:

میبدی و ابوالفتح و امام فخر متفقاً دو شأن نزول برای این آیه قائلند، یکی مربوط به توطئه منافقان بر ضد پیامبر (ص) است، دومی استهزا کردن ایشان پیامبر (ص) و مسلمانان را در اینکه چگونه به جنگ حریفی نیرومند رفته اند.

امام فخر می نویسد: «بدان که سوره برائت [= توبه] را حافره (شکافنده) می نامیدند، زیرا اسرار دل‌های منافقان را زرف کاوی می کرد. حسن [بصری] گفته است: دوازده مرد از منافقان بر امری نفاق آمیز همدست شدند. آن گاه جبرئیل، پیامبر (ص) را از نامهای آنان خبر داد. حضرت محمد (ص) با یاران خود فرمودند: عده ای در چنین توطئه اتفاق کرده اند، خودشان برخیزند و اعتراف کنند و به درگاه پروردگارشان استغفار کنند تا شفاعتشان کنیم. کسی برخاست. دوباره پیامبر (ص)

پاره ها و گزینشها را ۸۸۳ نقل می کند. ترجمه های کامل ۸۲۹ بار و پاره ها و گزینشها ۴۰۹ بار چاپ شده و رقم کلی ترجمه های قرآن مجید در این کتاب شناسی ۲۶۷۲ عنوان است که شامل چاپهای اول، دوم، سوم و چاپهای بعدی می گردد (ص ۶۰). هم اکنون ۷۱ ترجمه قرآن که توسط ۴۷۸ مترجم به زبانهای مختلف دنیا ترجمه گردیده در مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی قم موجود می باشد. از این تعداد ۷۹ ترجمه به فارسی و ۶۵ ترجمه به انگلیسی زبان هستند.

۳. برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به:

الف. شاهرخ محمدیگی، تحقیق در نخستین تفسیر فارسی موجود موسوم به ترجمه تفسیر طبری، پایان نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲ هـ.ش.

ب. آذرتاش آذرنوش، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی قرآن (از آغاز تا عصر صفوی)، ۱، ترجمه های قرآنی، تهران، سروش، ۱۳۷۵ هـ.ش.

۴. بهاءالدین خرمشاهی، ترجمه قرآن: مشکلات و دیدگاهها، مترجم، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۷۲ هـ.ش (ویژه مباحث ترجمه قرآن)، ص ۴۱.

۵. احمد احمدی، ترجمه قرآن: مشکلات و دیدگاهها، مترجم، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۷۲ هـ.ش (ویژه مباحث ترجمه قرآن)، ص ۶۱.

۶. محمد آصف فکرت در کتاب خود (پاورقی ۱) اشاره می کند که نام مترجم را ماراتچی، ماراتچیوس و ماراتچیوم نیز نوشته اند (ص ۳۰).

۷. سیدهادی خسروشاهی، ترجمه قرآن به زبانهای اروپایی، کیهان اندیشه، شماره ۲۸، بهمن و اسفند ۱۳۶۸، ص ۲۱۲. به نقل از تاریخ القرآن، ابو عبدالله زنجانی، چاپ قاهره، ص ۶۹، ۱۳۵۴ هـ.ق / ۱۹۳۵ م.

8. Norman Daniel, *Islam and the West: The Making of an Image*. Edingburg University Press. 1960, pp.

6-7. (ترجمه از نگارنده)

۹. ویلیام مونتگمری وات، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۶۱ هـ.ش، ص ۱۰۰.

۱۰. سیدهادی خسروشاهی، همان، ص ۲۱۲.

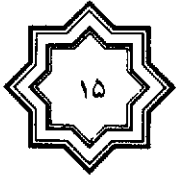
۱۱. به نقل از نگاهی به تاریخ ترجمه قرآن در ویژه نامه مرکز قرآن مجید به زبانهای خارجی، به کوشش محمد نقدی، سیدعلی قلی قرابی و محمدرضا انصاری، به مناسبت چهارمین نمایشگاه قرآن کریم، بهمن ماه ۱۳۷۵، ص ۱۹.

۱۲. برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به «جرح سیل» در کتاب دکتر جواد سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ هـ.ش، ص ۲۲-۲۵.

۱۳. فرهنگ خاورشناسان، ج ۱، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ هـ.ش، ص ۷۵.

۱۴. قرآن مجید، ترجمه استاد محمدمهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ش.

15. A. R. Kidwai, "Arberry's *The Koran Interpreted*:"



حواریون در آنجا اجتماع کرده بودند، محاصره کردند و به درون ریخته و در طلب عیسی برآمدند، ولی به معجزه الهی همه حواریون شبیه عیسی (ع) شدند و حیران ماندند تا به درخواست عیسی (ع) یکی از حواریون فداکاری کرد و قدم پیش نهاد و خود را عیسی خواند و او را گرفتند و بردند و بر دار کردند و عیسی (ع) را فرشتگان از همان جا به آسمان بردند. بعضی نیز یهودای اسخریوطی را که ابتدا از حواریون عیسی (ع) بود، سپس منافق شد و به او خیانت کرد، لودهنده عیسی (ع) می دانند که در ازای دریافت سی درهم محل او را به جاسوسان یهود اطلاع داد، ولی طبق معجزه الهی عیسی (ع) را از همان جا به آسمان بردند و شباهت صورت او به چهره یهودا افتاد و هر چه انکار کرد که من عیسی نیستم باور نکردند و او را بردند و به دار کشیدند (ص ۱۰۳). (مترجم)

۲۵. در این آیه قدوائی ترجمه غلط آربری را تصحیح می کند، لکن خود در ترجمه اش عبارت «و ملاء» (and his council) را از قلم می اندازد. (مترجم)

۲۶. بایستی توجه داشت که در برخی موارد اختلاف ترجمه آربری و قدوائی ناشی از تفاسیر متفاوتی است که مورد استفاده آنان قرار گرفته است. لذا نمی توان در کلیه موارد به ضرس قاطع گفت که آربری اشتباه کرده است. با توجه به اجتناب ناپذیر بودن عنصر تفسیر در ترجمه قرآن مجید، برخی از ترجمه های آربری قابل توجه می نماید. (مترجم)

Richard Bell, *The Qur'an: Translated with a Critical Rearrangement of the Surahs* (Edinburgh, 1937)

۲۷. در اینجا آربری به معنی تحت اللفظی «ناقله» توجه داشته و آن را به in superfluity ترجمه کرده است که به معنای فزونی و زیادگی است، در صورتی که قدوائی که بیشتر به وضوح مطلب می اندیشد، ترجمه مفهومی کرده و آن را additional gift (نعمت افزون) ترجمه کرده است. (مترجم)

۲۸. محمدمهدی فولادوند کلمه «شکور» را به صورت «حق شناس» (سوره ۳۵، آیات ۳۰ و ۳۴). «قدر شناس» (سوره ۴۲، آیه ۲۳) و «سپاس پذیر» (سوره ۶۴، آیه ۱۷) و بهاءالدین خرمشاهی در کلیه موارد فوق آن را «قدردان» ترجمه کرده اند. در زبان انگلیسی همان طور که قدوائی پیشنهاد کرده است، معادل All Appreciative برای واژه «شکور» بهتر و دقیق تر است. appreciate: to value; to esteem, to be conscious of the significance, desirability, or worth of; thankful: impressed with a sense of kindness received (from: Webster's New Universal Unabridged Dictionary, 1983).

"appreciate" بیشتر به معنی «قدردانی کردن» و "thankful" بیشتر به معنی شکرگزاردن است. (مترجم)

۲۹. محمدمهدی فولادوند واژه «امی» (سوره ۷، آیات

فرمود: فلانی و فلانی برخیزید. برخاستند و نزد او آمدند و گفتند: اعتراف می کنیم و مغفرت می طلبیم. حضرت محمد (ص) فرمودند: من اکنون در آغاز کار هستم و دلم برای شفاعت آماده تر است و خداوند سریعتر دعای مرا اجابت می فرماید، پس خودتان برپا خیزید. همچنان امر خود را تکرار می فرمود، تا همه برخاستند. اصم گفته است: هنگام بازگشت پیامبر (ص) از تبوک، دوازده تن توطئه کردند که در عقبه ای حضرت (ص) را غافلگیر کنند و بکشند و جبرئیل، پیامبر (ص) را آگاه ساخت. و آنان نقابدار بودند و شب، شب تاریکی بود و جبرئیل به حضرت محمد (ص) گفت: کسی را بفرست که اسبهای آنان را رم دهد. حضرت (ص) حذیفه را فرستاد و او آنها را رم داد. پیامبر (ص) از او پرسیدند: از آنان کدام را شناختی؟ گفت: هیچ کدام را نشناختم. ولی حضرت (ص) نام آنان را یکایک برشمرد... و چون گفتند آنان را بکش، فرمود: نمی خواهم قوم عرب بگویند یارانش را به جنگ می برد و در بازگشت می کشد. قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه نامه از بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات جامی و نیلوفر، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۵ هـ ش، ص ۱۹۷. (مترجم)

۲۲. بهاءالدین خرمشاهی در توضیح این آیه چنین آورده است:

میبدی می نویسد: «این در شأن قومی آمد از کافران که از حرب بدر بگسسته بودند و به مکه باز شده، ترسیدند که ایشان را هلاک و عذاب رسد، پس چون وقتی [= مدتی] عذاب نرسید طاعی و یاغی گشتند. رب العالمین گفت: گمان مبر ایشان را که اکنون [ظاهر] به سلامت گسسته اند، که سرانجام و در آینده از ما گزیر و گریزی ندارند.» قرآن کریم، ترجمه خرمشاهی، ص ۱۸۴. (مترجم)

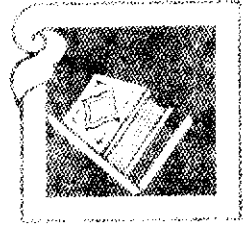
۲۳. اتقوا الله: خود را از گزند کیفر الهی محفوظ بدارید. این کلمه از ماده «وقی» است که به معنای حفظ و صیانت و نگهداری است. معنای «اتقاء» احتفاظ است. (ده گفتار، شهید مرتضی مطهری، ص ۳-۴) (محمدیگی)

۲۴. بهاءالدین خرمشاهی این آیه را به این صورت ترجمه کرده است:

و ادعایشان که ما مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا، را کشته ایم و حال آنکه نه او را کشتند و نه بر دار کردند، بلکه [حقیقت امر] بر آنان مشتبه شد، و کسانی که در این امر اختلاف کردند از آن در شک اند و به آن علم ندادند، فقط پیروی از حدس و گمان می کنند و او را به یقین نکشته اند.

ترجمه انگلیسی قدوائی با ترجمه فارسی خرمشاهی از نظر مرجع ضمیر بیشتر به هم شباهت دارند. خرمشاهی در توضیح این آیه چنین می آورد:

مفسران (از جمله شیخ طوسی، میبدی، و ابوالفتح) برآند که یهودیان خانه ای را که عیسی و عده ای از



۱۵۷ و ۱۵۸) را «درس نخوانده» و بهاء‌الدین خرمشاهی این واژه را به صورت «امی» ترجمه کرده‌اند. خرمشاهی در توضیح آیه ۱۵۷ چنین می‌آورد:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ﴾ (کسانی که از فرستاده و پیامبر امی پیروی می‌کنند). در این آیه و آیه بعدی از پیامبر اسلام (ص) با صفت «امی» یاد شده است. فرهنگ‌نویسان و مفسران، امی را کسی تعریف کرده‌اند که خواندن و نوشتن نمی‌داند، و بعضی آن را منسوب به ام (مادر) می‌دانند. در این معنا امی کسی است که مادرش او را برای تربیت و آموزش از خود جدا نکرده است، و او به همان سیرت و سان که از مادر به دنیا آمده، بدون آموزش باقی مانده است. (طبری، میدی). بعضی نیز آن را منسوب به امت (یعنی جماعت و عامه، یا به معنای خلقت) دانسته‌اند. چنانکه اشاره شد کلمه امی به عنوان صفت پیامبر اسلام (ص) فقط دوبار در قرآن به کار رفته است، که یکی در همین آیه است و دیگری در آیه بعدی. اما بدون این کلمه، آباتی

نیز هست که صراحت بسیاری در بی‌سواد بودن پیامبر اسلام (ص) یعنی فقدان آموزش و مهارت خواندن و نوشتن ایشان دارد: الف. و «پیش از آن [وحی و نبوت] نه کتابی می‌خواندی و نه به دست خود [مکتوبی] می‌نوشتی. چه در آن صورت باطل اندیشان، شک و شبهه به میان می‌آوردند» (عنکبوت، آیه ۲۸). ب. «و بدین سان [پیام و کتاب] روحبخشی از امر خویش بر تو وحی کردیم، و تو نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان چیست...» (شوری، آیه ۵۲).

شادروان استاد شهید مرتضی مطهری، کتاب کم‌برگ و پرباری تحت عنوان پیامبر امی دارد که بارها به چاپ رسیده و محتوای سرراست و روشن آن این است که «یکی از نکات روشن زندگی رسول اکرم (ص) این است که درس نخوانده و مکتب نادیده بوده است، نزد هیچ معلمی نیاموخته و با هیچ نوشته و دفتر و کتابی آشنا نبوده است...» (ص ۱). (مترجم)

